

شرق روزنامه

ایران

تلاش برای حفظ اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری

کمتر اقدام جدی و مؤثری در مورد تصویب و اجرای مقررات اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری در ایران انجام شده است. در دوران پیش از انقلاب، تحت‌تأثیر شرایط سیاسی نامطلوب وقت و محدودیت‌های مطبوعاتی و شرایط نامساعد فعالیت‌های روزنامه‌نگاری، همان‌گونه که به آزادی و استقلال مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توجهی نمی‌شد، موضوع اجرای اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری هم با بی‌اعتنایی روبه‌رو بود. دکتر کاظم معتمدنژاد و رویا معتمدنژاد در جلد اول کتاب «حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران» می‌نویسند که در دوران قبل از انقلاب، جز تدوین مجموعه کوتاهی از این‌گونه اصول که در هشت بند و با عنوان «نظام مطبوعات» در مهرماه سال ۱۳۴۲ در یکی از جلسات هیات‌مدیره «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات»، به تصویب رسید و متن آن در بولتن خبری این سندیکا انتشار یافت، کوشش دیگری در این زمینه صورت نگرفت.

در دوره پس از انقلاب هم به سبب توقف کار سندیکا و تأسیس نشدن و فعالیت‌نکردن نهاد یا نهاد‌های حرفه‌ای جدید روزنامه‌نگاری، امکان اقدام عملی برای تدوین و تصویب مجموعه مقررات اخلاقی موردنظر وجود نداشت. البته دراین‌میان به ابتکار «مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها»، در معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نخستین هم‌اندیشی روزنامه‌نگاران «می‌نویسند که در دوران قبل از انقلاب، جز تدوین مجموعه کوتاهی از این‌گونه اصول که در هشت بند و با عنوان «نظام مطبوعات» در مهرماه سال ۱۳۴۲ در یکی از جلسات هیات‌مدیره «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات»، به تصویب رسید و متن آن در بولتن خبری این سندیکا انتشار یافت، کوشش دیگری در این زمینه صورت نگرفت.

کمتر اقدام جدی و مؤثری در مورد تصویب و اجرای مقررات اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری در ایران انجام شده است. در دوران پیش از انقلاب، تحت‌تأثیر شرایط سیاسی نامطلوب وقت و محدودیت‌های مطبوعاتی و شرایط نامساعد فعالیت‌های روزنامه‌نگاری، همان‌گونه که به آزادی و استقلال مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توجهی نمی‌شد، موضوع اجرای اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری هم با بی‌اعتنایی روبه‌رو بود. دکتر کاظم معتمدنژاد و رویا معتمدنژاد در جلد اول کتاب «حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران» می‌نویسند که در دوران قبل از انقلاب، جز تدوین مجموعه کوتاهی از این‌گونه اصول که در هشت بند و با عنوان «نظام مطبوعات» در مهرماه سال ۱۳۴۲ در یکی از جلسات هیات‌مدیره «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات»، به تصویب رسید و متن آن در بولتن خبری این سندیکا انتشار یافت، کوشش دیگری در این زمینه صورت نگرفت.

کمتر اقدام جدی و مؤثری در مورد تصویب و اجرای مقررات اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری در ایران انجام شده است. در دوران پیش از انقلاب، تحت‌تأثیر شرایط سیاسی نامطلوب وقت و محدودیت‌های مطبوعاتی و شرایط نامساعد فعالیت‌های روزنامه‌نگاری، همان‌گونه که به آزادی و استقلال مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توجهی نمی‌شد، موضوع اجرای اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری هم با بی‌اعتنایی روبه‌رو بود. دکتر کاظم معتمدنژاد و رویا معتمدنژاد در جلد اول کتاب «حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران» می‌نویسند که در دوران قبل از انقلاب، جز تدوین مجموعه کوتاهی از این‌گونه اصول که در هشت بند و با عنوان «نظام مطبوعات» در مهرماه سال ۱۳۴۲ در یکی از جلسات هیات‌مدیره «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات»، به تصویب رسید و متن آن در بولتن خبری این سندیکا انتشار یافت، کوشش دیگری در این زمینه صورت نگرفت.

کمتر اقدام جدی و مؤثری در مورد تصویب و اجرای مقررات اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری در ایران انجام شده است. در دوران پیش از انقلاب، تحت‌تأثیر شرایط سیاسی نامطلوب وقت و محدودیت‌های مطبوعاتی و شرایط نامساعد فعالیت‌های روزنامه‌نگاری، همان‌گونه که به آزادی و استقلال مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توجهی نمی‌شد، موضوع اجرای اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری هم با بی‌اعتنایی روبه‌رو بود. دکتر کاظم معتمدنژاد و رویا معتمدنژاد در جلد اول کتاب «حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران» می‌نویسند که در دوران قبل از انقلاب، جز تدوین مجموعه کوتاهی از این‌گونه اصول که در هشت بند و با عنوان «نظام مطبوعات» در مهرماه سال ۱۳۴۲ در یکی از جلسات هیات‌مدیره «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات»، به تصویب رسید و متن آن در بولتن خبری این سندیکا انتشار یافت، کوشش دیگری در این زمینه صورت نگرفت.

کمتر اقدام جدی و مؤثری در مورد تصویب و اجرای مقررات اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری در ایران انجام شده است. در دوران پیش از انقلاب، تحت‌تأثیر شرایط سیاسی نامطلوب وقت و محدودیت‌های مطبوعاتی و شرایط نامساعد فعالیت‌های روزنامه‌نگاری، همان‌گونه که به آزادی و استقلال مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توجهی نمی‌شد، موضوع اجرای اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری هم با بی‌اعتنایی روبه‌رو بود. دکتر کاظم معتمدنژاد و رویا معتمدنژاد در جلد اول کتاب «حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران» می‌نویسند که در دوران قبل از انقلاب، جز تدوین مجموعه کوتاهی از این‌گونه اصول که در هشت بند و با عنوان «نظام مطبوعات» در مهرماه سال ۱۳۴۲ در یکی از جلسات هیات‌مدیره «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات»، به تصویب رسید و متن آن در بولتن خبری این سندیکا انتشار یافت، کوشش دیگری در این زمینه صورت نگرفت.

کمتر اقدام جدی و مؤثری در مورد تصویب و اجرای مقررات اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری در ایران انجام شده است. در دوران پیش از انقلاب، تحت‌تأثیر شرایط سیاسی نامطلوب وقت و محدودیت‌های مطبوعاتی و شرایط نامساعد فعالیت‌های روزنامه‌نگاری، همان‌گونه که به آزادی و استقلال مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توجهی نمی‌شد، موضوع اجرای اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری هم با بی‌اعتنایی روبه‌رو بود. دکتر کاظم معتمدنژاد و رویا معتمدنژاد در جلد اول کتاب «حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران» می‌نویسند که در دوران قبل از انقلاب، جز تدوین مجموعه کوتاهی از این‌گونه اصول که در هشت بند و با عنوان «نظام مطبوعات» در مهرماه سال ۱۳۴۲ در یکی از جلسات هیات‌مدیره «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات»، به تصویب رسید و متن آن در بولتن خبری این سندیکا انتشار یافت، کوشش دیگری در این زمینه صورت نگرفت.

کمتر اقدام جدی و مؤثری در مورد تصویب و اجرای مقررات اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری در ایران انجام شده است. در دوران پیش از انقلاب، تحت‌تأثیر شرایط سیاسی نامطلوب وقت و محدودیت‌های مطبوعاتی و شرایط نامساعد فعالیت‌های روزنامه‌نگاری، همان‌گونه که به آزادی و استقلال مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توجهی نمی‌شد، موضوع اجرای اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری هم با بی‌اعتنایی روبه‌رو بود. دکتر کاظم معتمدنژاد و رویا معتمدنژاد در جلد اول کتاب «حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران» می‌نویسند که در دوران قبل از انقلاب، جز تدوین مجموعه کوتاهی از این‌گونه اصول که در هشت بند و با عنوان «نظام مطبوعات» در مهرماه سال ۱۳۴۲ در یکی از جلسات هیات‌مدیره «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات»، به تصویب رسید و متن آن در بولتن خبری این سندیکا انتشار یافت، کوشش دیگری در این زمینه صورت نگرفت.

کمتر اقدام جدی و مؤثری در مورد تصویب و اجرای مقررات اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری در ایران انجام شده است. در دوران پیش از انقلاب، تحت‌تأثیر شرایط سیاسی نامطلوب وقت و محدودیت‌های مطبوعاتی و شرایط نامساعد فعالیت‌های روزنامه‌نگاری، همان‌گونه که به آزادی و استقلال مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توجهی نمی‌شد، موضوع اجرای اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری هم با بی‌اعتنایی روبه‌رو بود. دکتر کاظم معتمدنژاد و رویا معتمدنژاد در جلد اول کتاب «حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران» می‌نویسند که در دوران قبل از انقلاب، جز تدوین مجموعه کوتاهی از این‌گونه اصول که در هشت بند و با عنوان «نظام مطبوعات» در مهرماه سال ۱۳۴۲ در یکی از جلسات هیات‌مدیره «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات»، به تصویب رسید و متن آن در بولتن خبری این سندیکا انتشار یافت، کوشش دیگری در این زمینه صورت نگرفت.

کمتر اقدام جدی و مؤثری در مورد تصویب و اجرای مقررات اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری در ایران انجام شده است. در دوران پیش از انقلاب، تحت‌تأثیر شرایط سیاسی نامطلوب وقت و محدودیت‌های مطبوعاتی و شرایط نامساعد فعالیت‌های روزنامه‌نگاری، همان‌گونه که به آزادی و استقلال مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توجهی نمی‌شد، موضوع اجرای اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری هم با بی‌اعتنایی روبه‌رو بود. دکتر کاظم معتمدنژاد و رویا معتمدنژاد در جلد اول کتاب «حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران» می‌نویسند که در دوران قبل از انقلاب، جز تدوین مجموعه کوتاهی از این‌گونه اصول که در هشت بند و با عنوان «نظام مطبوعات» در مهرماه سال ۱۳۴۲ در یکی از جلسات هیات‌مدیره «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات»، به تصویب رسید و متن آن در بولتن خبری این سندیکا انتشار یافت، کوشش دیگری در این زمینه صورت نگرفت.

کمتر اقدام جدی و مؤثری در مورد تصویب و اجرای مقررات اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری در ایران انجام شده است. در دوران پیش از انقلاب، تحت‌تأثیر شرایط سیاسی نامطلوب وقت و محدودیت‌های مطبوعاتی و شرایط نامساعد فعالیت‌های روزنامه‌نگاری، همان‌گونه که به آزادی و استقلال مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توجهی نمی‌شد، موضوع اجرای اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری هم با بی‌اعتنایی روبه‌رو بود. دکتر کاظم معتمدنژاد و رویا معتمدنژاد در جلد اول کتاب «حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران» می‌نویسند که در دوران قبل از انقلاب، جز تدوین مجموعه کوتاهی از این‌گونه اصول که در هشت بند و با عنوان «نظام مطبوعات» در مهرماه سال ۱۳۴۲ در یکی از جلسات هیات‌مدیره «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات»، به تصویب رسید و متن آن در بولتن خبری این سندیکا انتشار یافت، کوشش دیگری در این زمینه صورت نگرفت.

کمتر اقدام جدی و مؤثری در مورد تصویب و اجرای مقررات اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری در ایران انجام شده است. در دوران پیش از انقلاب، تحت‌تأثیر شرایط سیاسی نامطلوب وقت و محدودیت‌های مطبوعاتی و شرایط نامساعد فعالیت‌های روزنامه‌نگاری، همان‌گونه که به آزادی و استقلال مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توجهی نمی‌شد، موضوع اجرای اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری هم با بی‌اعتنایی روبه‌رو بود. دکتر کاظم معتمدنژاد و رویا معتمدنژاد در جلد اول کتاب «حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران» می‌نویسند که در دوران قبل از انقلاب، جز تدوین مجموعه کوتاهی از این‌گونه اصول که در هشت بند و با عنوان «نظام مطبوعات» در مهرماه سال ۱۳۴۲ در یکی از جلسات هیات‌مدیره «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات»، به تصویب رسید و متن آن در بولتن خبری این سندیکا انتشار یافت، کوشش دیگری در این زمینه صورت نگرفت.

نگاه

نماد مطبوعاتی نیویورک

روزنامه‌ای از قرن نوزدهم

روزنامه نیویورک‌تایمز، از قدیمی‌ترین نشریات دنیا، از قرن نوزدهم انتشار خبر را آغاز کرده است. درواقع قدمتی بیش از یک‌قرن‌وَنیم، اعتبار ویژه‌ای به این نشریه آمریکایی بخشیده است. امروزه نیویورک‌تایمز رسانه‌ای است که تولیدات گوناگونی دارد. این تولیدات شامل روزنامه، گروه مجلات، ایستگاه‌های تلویزیونی و رادیویی و نیز سرویس‌های اطلاعات الکترونیکی است.

این کمپانی درحال‌حاضر روزانه سه روزنامه اصلی منتشر می‌کند؛ بوستون‌گلوب، اینترنشنال هرالدری‌بیوس و نیویورک‌تایمز. در کنار این سه روزنامه اصلی، ۱۶ روزنامه نیز به شکل محلی توسط این کمپانی منتشر می‌شود.

هشت ایستگاه تلویزیونی و دو ایستگاه رادیویی نیز تولیدات این شرکت را روانه آنتن می‌کند. بخشی از ستون‌ها و کتاب‌ها و مجلات این کمپانی به دوهزار روزنامه در بیش از ۵۰ کشور جهان فروخته شده است. این بزرگ‌ترین سندیکا‌ی مشکل از متن، عکس و… در تمام جهان است.

اما دایره تولیدات نیویورک‌تایمز از ابتدا تا این‌ج گسترده نبود. واقعیت این است که این کمپانی نیز مانند بسیاری از شرکت‌های باسابقه، فرازوفرودهای زیادی تجربه کرده است.

داستان نیویورک‌تایمز از سال ۱۸۵۱ آغاز شد. در ۱۸ سپتامبر این سال «هنری جرویس ریموند» و «جورج جونز» شرکتی تأسیس کردند با عنوان «نیویورک‌دیلی‌تایمز». مهم‌ترین کارکرد این شرکت، انتشار روزنامه‌ای با همین عنوان بود.

در سال ۱۸۵۷ نام این روزنامه به نیویورک‌تایمز تغییر داده شد. پس از مرگ جرویس رایموند، جونز کماکان هدایت آن را ادامه داد. در پی بسته‌شدن روزنامه بابت ورشکستگی شرکت، گروهی از سرمایه‌گذاران وال‌استریت برای حفظ شرکت و سرمایه‌ خود، اقدام به واگذاری و سرمایه‌گذاری مجدد در قالب یک شرکت جدید کردند؛ کمپانی نیویورک‌تایمز.

این اتفاق در سال ۱۸۹۶ رخ داد. ناشر جدید روزنامه، ادولف سیمون برای این روزنامه شعاری تازه برگزید: «هر خبری، قابلیت انتشار دارد». در سال ۱۹۳۵ و پس از مرگ سیمون، داماد او، آرتور سالزبرگر، هدایت کمپانی NYTCo را برعهده گرفت. سال‌ها بعد و در سال ۱۹۶۳ آرتور هیز سالزبرگر، پسر سالزبرگر بزرگ، ناشر روزنامه شد.

با مدیریت تازه کمپانی، شکل تازه‌ای از تولید در این کمپانی آغاز شد. درواقع انتشار در این کمپانی توسعه یافت و اشکال گوناگونی به خود گرفت. این تولیدات از انتشار روزنامه تا مجله، برنامه‌های تلویزیونی و چاپ کتاب را شامل می‌شد. تا سال ۱۹۹۵، تولیدات نیویورک‌تایمز روی خطوط آنلاین قابل‌دسترسی نبود. در این سال این کمپانی به همراه هشت کمپانی دیگر، اخبار خود را روی اینترنت قرار دادند.

در تمام این سال‌ها نیویورک‌تایمز به شکل سیاه‌وسفید منتشر می‌شد. از سال ۱۹۹۷، صفحه نخست و آخر این روزنامه به شکل رنگی چاپ شد. در سال ۱۹۹۹، عایدی این شرکت ۳۰۱میلیارد دلار بود. این کمپانی همچنین ۱۵میلیون دلار در TheStreet.com سرمایه‌گذاری کرده بود.

این رقم یکی از ارقام بالا در سرمایه‌گذاری اینترنتی در آن سال‌ها به حساب می‌آمد. در سال ۲۰۰۰، پس از حدود یک‌وَنیم‌قرن، کمپانی گروه مجلات خود را به فروخت، در سال ۲۰۰۱، این کمپانی موفق شد شش جایزه پولیتزر را برای پوشش حوادث ۱۱سپتامبر دریافت کند.



مرور راهنمای اخلاق حرفه‌ای روزنامه نیویورک‌تایمز

غرب چگونه روزنامه‌نگاری می‌کند؟

سعید ارکان‌زاده یزدی

نیویورک‌تایمز هزینه‌گذاری کارکنانش را پیرداد.

۲۹. کارکنان نیویورک‌تایمز نباید ابیادوهاب یا اقامت رایگان یا تخفیف را بپذیرند، به‌جز جایی که شرایط خاص برای ما انتخاب‌های کمی باقی می‌گذارد یا چاره دیگری نداریم. این شرایط در سفرهای نظامی یا علمی یا مسافرت‌های دیگری به وجود می‌آیند که فراهم‌کردن سفری جایگزین برای آن غیرعملی است؛ برای مثال، پرواز خارجی یک هواپیمای جت تجاری که در حین آن با یک مدیر مصاحبه می‌شود، وقتی چنین شرایط ویژه‌ای پیش می‌آید کارکنان باید با افراد بالادست خود، دبیر استانداردهای حرفه‌ای یا معاون سردبیر مشورت کنند.
۳۰. کارکنانی که برای نمایش‌های هنری نقد می‌نویسند یا اتفاقات ورزشی یا دیگر وقایعی را پوشش می‌دهند که شرکت در آنها مستلزم پرداخت پول است (برای مثال، نمایشگاه خودروی نیویورک) می‌توانند دعوت‌نامه‌های مطبوعاتی یا بلیت‌هایی را که بنا به عرف در دسترس آنها قرار داده می‌شود بپذیرند. هیچ‌ک از دیگر کارکنان، حتی دبیران بخش‌های فرهنگی و ورزشی، نباید بلیت‌های رایگان را بپذیرند، حتی وقتی که قیمت یک بلیت هم پرداخت می‌شود کارکنان نباید از موقعیت خود در نیویورک‌تایمز استفاده کنند تا جای نشستن یا صندلی‌ای را مانند ماگ یا فنجان‌ی که لوگوی شرکت روی آن حک شده است؛ هدیه‌ها باید با یک توضیح مودبانه بازگردانده شوند. اصلی نامه برای استفاده در این موقعیت، در ضمیمه یک آمده است.

۳۳. کارکنان نباید هدیه، بلیت، تخفیف، بازپرداخت یا دیگر مشوق‌هایی را بپذیرند که از هر شخصی یا سازمانی ارائه می‌شود که به وسیله نیویورک‌تایمز پوشش داده می‌شوند یا این احتمال دارد که پوشش داده شوند. (استثنا دراین زمینه می‌تواند شامل وسایل پیش‌پافته‌ای با ارزش اسمی کمتر از ۲۵ دلار باشد، مانند ماگ یا فنجان‌ی که لوگوی شرکت روی آن حک شده است؛ هدیه‌ها باید با یک توضیح مودبانه بازگردانده شوند. اصلی نامه برای استفاده در این موقعیت، در ضمیمه یک آمده است.

۳۵. کارکنان نباید هر چیزی را که نوعی پاداش برای پوشش‌دادن مطلوب یا مشوق برای جایگزینی با چشم‌پوشی از پوشش‌دادن نامطلوب یک موضوع تعبیر شود بپذیرند. ممکن است کارکنان سهمی در پول بازچاپ مطالبی که در نیویورک‌تایمز نوشته است و طبق قراردادهای مربوط به حق مؤلف به روزنامه پرداخت می‌شود داشته باشند. همچنین ممکن است کارکنان، در پول پرداخت‌شده از سوی طرف‌های غیررسانه‌ای برای اجازه استفاده یا بازچاپ محتوای نیویورک‌تایمز در آگهی‌ها یا تبلیغات سهمی داشته باشند.
باین‌حال، سهم آنها نباید برای هر مطلب بیشتر از ۲۰۰ دلار شود.

۳۶. کارکنان می‌توانند هر هدیه یا تخفیفی را که در دسترس همه مردم است بپذیرند. به طور معمول، آنها همچنین آزاداند از تخفیف‌های مرسوم «شرکت نیویورک‌تایمز» که به همه کارکنان خبرنگار و غیرخبرنگارش ارائه می‌کند (مانند پول کرایه خودرو) بهره ببرند و کارکنان می‌توانند بلیت رایگان موزه‌ها یا دیگر مزایایی را بپذیرند که به همه کارکنان شرکت نیویورک‌تایمز به دلیل حمایت‌های این شرکت از مؤسسات فرهنگی گوناگون ارائه می‌شود.

ضمیمه ۱: کلیشه نامه نپذیرفتن هدیه

... عزیز
من به‌خیر شما یک غافل‌گیری لذت‌بخش بود. قدر این را که به فکر من بودید، می‌دانم.

اما این هدیه، مرا در موقعیتی دشوار قرار داده است. نیویورک تایمز گزارشگران و دبیران خود را از پذیرش هدیه با هر ارزشی از افراد یا گروه‌هایی که آنها را پوشش خبری می‌دهد، منع کرده است. روزنامه نمی‌خواهد خطر کند و این تلقی را به وجود بیاورد که یک موضوع را بیش از حد پوشش می‌دهد یا از پوشش یک موضوع بحث‌برانگیز شانه خالی می‌کند، به این دلیل که طرف‌های درگیر آن موضوع، قدردانی خود را برای تلاش‌های روزنامه ابراز کرده‌اند.

بنابراین من با سیاست‌گزاری از شما باید هدیه‌تان را بازگردانم. امیدوارم موقعیت ما را درک کنید و من از شما برای محبت‌تان تشکر می‌کنم.
ارادت‌مند، ...

ضمیمه ۲: کلیشه نامه نپذیرفتن جایزه ناخواسته

... عزیز
نامه اخیر شما که مرا باخبر کرد برای دریافت یک جایزه از سوی... انتخاب شده‌ام غافل‌گیری لذت‌بخشی بود. من قدر شور و احساسات پشت این جایزه را می‌دانم.

اما تصمیم شما مرا در موقعیتی دشوار قرار داده است. نیویورک‌تایمز، گزارشگران و دبیران خود را از پذیرش جوایز اعطایی گروه‌های درگیر یک موضوع پوشش داده‌شده توسط آنها منع کرده است. روزنامه نمی‌خواهد خطر کند و این تلقی را به وجود بیاورد که یک موضوع را بیش از حد پوشش می‌دهد یا از پوشش یک موضوع بحث‌برانگیز شانه خالی می‌کند
به این دلیل که طرف‌های درگیر آن موضوع، تلاش‌های روزنامه را تحسین کرده‌اند.

بنابراین من با سیاست‌گزاری از شما، باید از جایزه صرف‌نظر کنم. امیدوارم شما و همکارانتان موقعیت ما را درک کنید.

ارادت‌مند، ...

بسیار اتفاق افتاده که روزنامه‌نگاران ایرانی با حال‌وهوای کار حرفه‌ای روزنامه‌نگاری غربی روبه‌رو شوند؛ در اوقاتی که به تحریریه‌های روزنامه‌های بین‌المللی آمریکایی و اروپایی سر می‌زنند، هنگامی که کتاب‌های راهنمای روزنامه‌نگاری آنها را می‌خوانند یا حتی وقتی رسانه‌هایشان را رصد می‌کنند. همین اتفاق می‌تواند در مواجهه با یکی از کتاب‌های راهنمای نیویورک‌تایمز رخ دهد. وقتی که روزنامه‌نگار ایرانی کتابچه «روزنامه‌نگاری اخلاقی» نیویورک‌تایمز را که حکم راهنمای اخلاق حرفه‌ای کارکنان این روزنامه را دارد می‌خواند، انواع مقایسه‌ها و حسرت‌ها ممکن است به ذهنش خطور کند؛ ازجمله اینکه روزنامه‌نگاران نیویورک‌تایمز چقدر بیشتر از ایرانی‌ها مستقل از اقتصاد و سیاست – شرکت‌ها و احزاب– عمل می‌کنند، چقدر بنیه اقتصادی قوی‌تری دارند که به نهادهای دولتی وابسته نشوند، چه میزان تفکیک بیشتری میان تحریریه و بخش آگهی‌های آنها وجود دارد و نظایر آن. این مقایسه‌ها و حسرت‌ها، اگر ناشی از نبود اعتمادبه‌نفس و باور اغراق‌آمیز به بی‌نقصی رسانه‌های غربی نباشد، ممکن است صرف افسوس‌خوردن برای قابلیت‌های روزنامه‌نگار ایرانی شود؛ اینکه اگر آنها در ساختار رسانه‌هایی امثال نیویورک‌تایمز قرار می‌گرفتند چه کارهای خارق‌العاده‌ای می‌توانستند انجام دهند و چه رکوردهایی را که می‌توانستند جابه‌جا کنند. البته در معدود مواردی این اتفاق رخ داده و روزنامه‌نگاران ایرانی در رسانه‌های غربی – نه از نوع فارسی‌زبان آن – هضم شده‌اند و کار خود را هم مطابق استاندارد بین‌المللی پیش برده‌اند.
باین‌حال، می‌شود یا در فراتر گذاشت و بدون مرعوب‌شدن، این طور ادرا کرد که اصلا روزنامه‌نگاری رسانه‌ای مثل نیویورک‌تایمز با آنچه در ایران روزنامه‌نگاری خوانده می‌شود، مقایسه‌کردنی نیست؛ چون در عین شباهت اسمی، از یک ریشه و جنس نبوده‌اند و نیستند؛ روزنامه‌نگاری‌ای که در کشورهای صنعتی پیشرفته شروع شده، فلسفه‌ای داشته، نیازهایی را برطرف می‌کرده و بر پایه‌هایی قرار داشته که در ایران، آن فلسفه و کارایی و ریشه‌ها وجود نداشته است. در ایران، دولت‌ها رسانه‌ها را با الگورفتن از غرب ساخته‌اند یا رسانه‌های مستقل اولیه را تسخیر کرده‌اند، بر آنها به‌شدت نظارت کرده‌اند و معمولا اجازه غیردولتی‌شدن رسانه‌های تأثیرگذار را هم نداده‌اند.
تاریخ رسانه‌های ایرانی پر از انبوهی از پستی و معدود بلندیهایی یاس و امید بوده است؛ در زمان‌هایی که دولت‌های ایران عمدتا به دلیل ضعف در اعمال اقتدار یا آشفتگی‌های سیاسی، کمتر سخت گرفته‌اند، رسانه‌ها شکوفا شده‌اند و هر وقت دولت‌ها سخت‌گیری بیشتری داشته‌اند، رسانه‌ها به انزوا رفته‌اند. در طول تاریخ معاصر، میزان استقلال رسانه‌های ایرانی متغیری بوده مستقیما وابسته به میزان ضعف دولت‌ها، نه توسعه‌یافتگی سیاسی و اجتماعی آنها؛ بنابراین خواندن کتابچه راهنمای اخلاق روزنامه‌نگاری نیویورک‌تایمز شاید به این کار نباید که حس مقایسه روزنامه‌نگاران ایرانی را – که در فضا بالاتر از رسانه‌ها تأثیری ندارند– برانگیزد تا خود را به کار حرفه‌ای مستقل‌تر نزدیک کنند؛ بلکه شاید بیشتر به این کار بیاید که ببینند دنیای دیگری از روزنامه‌نگاری هم – که البته به‌دور از کاستی نیست– وجود دارد و تا رسیدن به شرح صدر کافی کشورشان برای آن نوع کار، باید صبر کنند و حساسیت‌های خود را حفظ کنند یا دست‌کم بداندن چنین حساسیت‌هایی وجود دارد. تا فرارسیدن آن آینده احتمالی، گاهی پیش آمده که روزنامه‌نگاران ایرانی خواسته‌اند به آن دنیای دیگر، پلی بزنند و خودی نشان دهند، اما تا کنون، شکستگی و موقتی‌بودن آن پل – که اغلب در دوران‌های کشایش سیاسی ساخته شده بوده– به قدری نبوده است که ستنی پایدار ایجاد کند.

کتاب «روزنامه‌نگاری اخلاقی» نیویورک‌تایمز در سال ۲۰۰۴ منتشر شده است. این کتاب به «بایب و بنیادهای» های روزنامه‌نگاری در این نشریه پرداخته و چپ‌سأ مواردی از نحوه کتابچه که روزنامه‌نگاران نیویورک‌تایمز زیر پا گذاشته باشند.
باین‌حال، نباید آن را صرفا جزوه‌ای شیک و تظاهری و برای خاک خوردن روی طاقچه دانست؛ غربی‌ها معمولا وقت خود را برای نوشتن مقرراتی که خود هم نخواهند به آن عمل کنند، هدر نمی‌دهند. استثنائات عملی را هم دلیلی بر نادیده‌گرفتن غیرسریمی کل قانون برنمی‌شمارند. اگر نقدی بر رسانه‌هایی مثل نیویورک‌تایمز وجود داشته باشد، در مقیاس کلان، نقدی است ساختاری بر نزدیکی رسانه‌های جریان اصلی غرب با نهادهای ثروت و قدرت که باید در مجالی دیگر آن را ارزیابی کرد. فعلا در مقیاس خُرد، می‌توان در همین رسانه‌ها زوایای دقیقی از کار حرفه‌ای را درک کرد. کتابچه «روزنامه‌نگاری اخلاقی» در ۵۴ صفحه، شامل ۱۴ فصل، موضوعات مختلفی را از لزوم حفظ انصاف در کار خبری تا احتیاط در سرمایه‌گذاری‌های مالی خبرنگاران، شامل می‌شود. ساختار این کتابچه شبیه به قانونی ریشه‌گرفته از ست‌های یک حرفه متکی به تاریخ خود است، با ۱۵۵ بند که در ادامه، منتخبی از جذاب‌ترین بندهای آن برای روزنامه‌نگار ایرانی، با همان شماره‌ای که در کتاب اصلی داشته ترجمه شده است.

۲۸. نیویورک‌تایمز خود هزینه‌های پذیرایی‌کردن نمایندگانش از منابع خبری (شامل مقامات دولتی) یا سفر برای پوشش دادن آنها را تقبل می‌کند. در برخی موقعیت‌های کاری و در بعضی فرهنگ‌ها، ممکن است پذیرفتن یک وعده غذا یا خوردن یک نوشیدنی که منبع خبری پرباشان می‌خرد، اجتناب‌ناپذیر باشد؛ برای مثال، نیاز نیست گزارشگر نیویورک‌تایمز هر دعوتی برای مصاحبه با یک مدیر را به منظور صرف ناهار در سالن پذیرایی اختصاصی شرکت آن مدیر، رد کند؛ جایی که برای گزارشگر سخت، بلکه غیرعملی است صورت‌حساب غذا را پرداخت کند.
باین‌حال، در صورت امکان، گزارشگر باید جایی قرار بگذارد که بتواند پول غذا را حساب کند؛ برای مثال پذیرفتن یک کیک و قهوه ساده در نشست خبری ضرری ندارد؛ اما کارکنان روزنامه نباید در صحنه‌ای یا ناهاری شرکت کنند که به‌طور مرتب از سوی چهره‌های «خبرساز» برای مطبوعات تدارک داده می‌شود، مگر این‌که